



بازتاب اسطوره خونیرث در نگاره‌های گلچین اشعار مکتب شیراز دوره تیموری

مرضیه تراچی^۱

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۰۹ آبان ۱۴۰۳ □ پذیرش: ۱ بهمن ۱۴۰۳ □ صفحه ۹۵-۱۰۵

Doi: 10.22034/rph.2025.2044607.1083

چکیده

جهان اساطیر شامل موضوعات و مفاهیم گسترده‌ای است که با مظاهر مادی و معنوی طبیعت در ارتباطند. اسطوره سرزمین باشکوه زرتشتیان «خونیرث» با عناصر طبیعی چون کوه، آب، سرو و گیاهان، نمادی از بهشت موعود است که پس از سقوط سلسله ساسانی با شاخصه‌های اسلامی استمرار یافته است. با پذیرش اسلام توسط ایرانیان باورهای اساطیری با رویکرد مذهبی در نسخه‌های مصور ادامه می‌یابد. گلچین اشعار مرقوم سال ۸۰۱ ه. ق از نسخه‌های نفیس مکتب شیراز دوره تیموری است. پژوهش در نظر دارد انواع عناصر و نقش‌آرایی گیاهی را در آن مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و ویژگی‌های منحصر به فرد این نسخه را بازشناسد. هدف مقاله شناسایی تأثیرات اندیشه‌های اسطوره‌ای قبل از اسلام در نگاره‌های گلچین اشعار مکتب شیراز دوره تیموری است. پژوهش به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: در منظرپردازی گلچین اشعار، ویژگی‌های بصری و عناصر تزئینی برگرفته از مفاهیم اسطوره‌ای است؟ این نقوش و عناصر نمادین صرفاً جنبه تزئینی در نگاره‌های گلچین اشعار داشته‌اند و یا در بردارنده اعتقاد به تقدس خونیرث اساطیری و بهشت اسلامی هستند؟ برای دستیابی به این مهم از منابع مکتوب و مصور تاریخی و نیز مطالعات کتابخانه‌ای با روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. نتایج برآمده حاکی از آن است تحولات تاریخی در شیراز و گرایش حاکمان دوره تیموری به اقتباس و ویژگی‌های فرهنگی پیش از اسلام و منبعث از موارث نهفته دوران ساسانی از دلایل تداوم باورهای ایرانی بود که پوششی از رویکردهای اسلامی به خود گرفته بود و تیموریان این رویکرد را در سیاست‌های کلی هنری و فرهنگی خویش تسری بخشیدند. دستاورد مهم حاکمان تیموری در شیراز، رویکردهای ایرانی - اسلامی آن‌هاست. این حاکمان پرچم عظمت اساطیر و هنر ایران را در سرزمین مرکزی آن بر آسمان بردند تا به احیای فرهنگ باستانی بکوشند. از این رو باور به بهشت و سرزمین موعود ریشه در باور اسطوره‌ای ایران کهن دارد و بازتاب آن در نگارگری دوره اسلامی در شیراز تجلی یافته است.

کلیدواژه: اسطوره، نگارگری، مکتب شیراز، خونیرث

۱. هیئت علمی گروه ارتباط تصویری، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: Marzichteraji@guilan.ac.ir



استناد: تراچی، مرضیه (۱۴۰۳)، بازتاب اسطوره خونیرث در نگاره‌های گلچین اشعار مکتب شیراز دوره تیموری، رهپویه حکمت هنر، ۳ (۲): ۹۵-۱۰۵.

doi: 10.22034/rph.2025.2044607.1083

https://rph.soore.ac.ir/article_720034.html

مقدمه

نگارگری ایرانی بیانگر جهانی است که در آن نمودی از کمیت‌های فیزیکی بروز نمی‌کند و قوانین واقع‌گرایی کاربردی ندارد. نگارگر ایرانی نیز کوششی جهت بازنمایی نمی‌کرد بلکه با دستمایه قرارداد یک موضوع ادبی یا اسطوره‌ای، در پی جلوه‌ای از عالم باطنی با ترسیم مظاهر طبیعت بود. آثار خلق شده به این شیوه در کتاب‌ها و نسخه‌های مصور قابل مشاهده هستند. در این میان، گلچین اشعار مرقوم سال ۸۰۱ ه. ق مصور در مکتب شیراز دوره تیموری نمونه بارزی از صورت‌بخشی در فضا سازی نگاره بر اساس اسطوره و بازنمایی صورت طبیعی در راستای تجلی باطنی است. عناصر منقوش در گلچین اشعار همان مفاهیم تجریدی پیش از اسلام هستند که به وفور در آثار گچ‌بری، ظروف سیمین و زرین و سفالینه‌ها به چشم می‌خورد. این نقش مایه‌ها پس از اسلام با تعالیم دین مبین اسلام هماهنگ شده و به تجلی‌گاه بهشت موعود مسلمانان تبدیل گردیده است. در عرصه نگارگری ایرانی، شیراز به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تولید نسخه‌های مصور ادبی، گونه‌ای از نقاشی را به عالم عرضه کرده که ارتباط با سنت‌های تصویری قبل از اسلام و احیای مجدد آن در قالب اسلامی را به خوبی نمودار می‌سازد. هنرمندان شیراز نیز علاوه بر حفظ هویت بومی به تجارب هنرمندان پیشین و گنجینه نقوش ایرانی توسل جستند و در بالندگی نگارگری مکتب شیراز کوشیدند و نوآوری‌هایی نیز به آن افزودند. از آنجاکه در سبک منظرپردازی مکتب شیراز ردپای نقوش گیاهی و عناصر نمادین قبل از اسلام دیده می‌شود؛ ضرورت می‌یابد که در مورد مفاهیم نقش مایه‌ها و چگونگی تداوم آنها در نگارگری مکتب شیراز بررسی‌های بیشتری به عمل آید. وجود این نقوش مفهومی به عنوان عامل اصلی تزیین در هنر و معماری در پیش از اسلام و امتداد آن در مناظر گلچین اشعار ۸۰۱ ه. ق، ضرورت سؤالاتی را در این زمینه ایجاد می‌کند؛ در منظرپردازی گلچین اشعار، ویژگی‌های بصری و عناصر تزیینی گلچین اشعار برگرفته از مفاهیم اسطوره‌ای است؟ این نقوش و عناصر نمادین صرفاً جنبه تزیینی در نگاره‌های گلچین اشعار داشته‌اند و یا در بردارنده اعتقاد به تقدس خونیرث اساطیری و بهشت اسلامی هستند؟ بر این اساس در این پژوهش پس از بررسی مفهوم خونیرث و سه عنصر مهم گیاه، آب، کوه در اساطیر و منشأ آنها، به تحلیل نقش این عناصر در فضا سازی نگاره‌های گلچین اشعار ۸۰۱ ه. ق پرداخته می‌شود. این پژوهش سعی دارد مفاهیم اسطوره‌ای که پیش از اسلام در باور ایرانیان وجود داشته و پس از ظهور اسلام در ذهن روشن بین ایرانیان رنگ و بوی مذهبی به خود گرفته است را مورد تتبع قرار دهد.

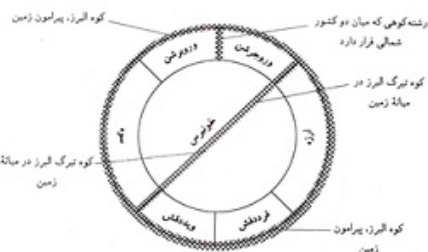
پیشینه پژوهش

در مورد اساطیر پژوهش‌هایی در قالب کتاب منتشر شده‌اند و در برخی از این کتاب‌ها بخش‌هایی به توصیف عناصر مقدس

در فرهنگ باستانی اختصاص دارد؛ در بندهش (بخش نهم، بند ۷۵) خونیرث یکی از هفت اقلیم جغرافیایی است و با صفت «نیکی» و «روشن» از آن یاد شده است. کتاب تاریخ اساطیری ایران (۱۳۸۹) ژاله آموزگار، کتاب فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی (۱۳۹۴) محمدجعفر یاحقی و همچنین مهرداد بهار (۱۳۸۹) در کتاب پژوهشی در اساطیر ایران به شرح مفصل زایش اساطیر و قداست خونیرث پرداخته‌اند. بیشتر تحقیقاتی که درباره مکتب نگارگری شیراز انجام شده است اشاره به نوع و سبک و شیوه‌های قلم‌پردازی نگاره‌ها دارد و کمتر به ریشه‌های اعتقادی و زمینه‌های مذهبی توجه می‌کند. شادلو و شیرازی (۱۳۸۸) در مقاله طراحی فرش در دربار اسکندرسلطان به نوع تزیین فرش‌های نگاره‌های گلچین اسکندرسلطان می‌پردازد. مبینی و شافعی (۱۳۹۴) در مقاله نقش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر ساسانی به تعالیم زرتشت بر هنر ساسانی تأکید می‌ورزند. مشبکی و صفایی (۱۳۹۸) در مقاله بررسی تطبیقی گیاهان مقدس و اسطوره‌ای در هنر صدر اسلام و پیش از اسلام (هخامنشی و ساسانی) با تأکید بر نقش برجسته‌ها، به این نتیجه رسیده‌اند استفاده از نقوش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر صدر اسلام و پیش از اسلام (هخامنشیان و ساسانیان)، و رای جنبه تزیینی، کاربرد نمادین و اعتقادی داشته و به عبارتی ریشه در باورهای مذهبی این ادوار دارد. نمادهایی که بیانگر شکوه و برکت، خیر خواهی، باروری، جاودانگی، مانایی و همچنین دوام سلطنت و قدرت بوده‌اند. پرینازالسادات فقیهی (۱۳۹۲) در رساله با عنوان «نقش اسطوره‌های گیاه در هنرهای تجسمی ایران قبل از اسلام» با راهنمایی جلال‌الدین سلطان کاشفی به اهمیت جایگاه مقدس نقوش گیاهی ایران باستان می‌پردازد و نقوش گیاهی در هنر ایران را تحت تأثیر اسطوره‌ها می‌داند و در این راستا بر زایش انسان نخستین از منظر اساطیر ایرانی (مشی و مشیانه) از گیاه را باور دارد. یعقوب آژند (۱۳۹۳) در کتاب مکتب نگارگری شیراز، ویژگی‌های کلی سبک‌ها و نسخه‌ها را همراه با رویدادهای اجتماعی و سیاسی قرن هشتم تحلیل می‌کند. یوسف کیانی (۱۳۹۹) در کتاب تزیینات وابسته به معماری ایران در دوره اسلامی، نقش گیاهان با مؤلفه تقدس و اسطوره‌ای بودن و تجلی نقش مایه‌ها در هنر هخامنشی و ساسانی و اسلامی و بازتاب نقش در نقش برجسته‌ها و مهرها و ظروف و امتداد آن در نسخه‌های نگارگری را مورد بحث قرار می‌دهد. پژوهش حاضر، به بررسی تأثیرات باورهای اعتقادی در دوره پیش از اسلام و دوره اسلامی می‌پردازد و الهام‌پذیری عناصر گلچین اشعار مکتب شیراز دوره تیموری از مضامین اسطوره‌ای را مدنظر قرار می‌دهد. بدیع بودن مقاله از آن‌روست که تاکنون تصاویر این نسخه به لحاظ شناسایی بن‌مایه اسطوره‌ای و الگوهای تصویری مورد تحلیل قرار نگرفته است. اهمیت این پژوهش از آن‌جهت است که باب‌های

خلقت است» (الیاده، ۱۳۹۳: ۷۲). صخره‌ها و چشمه‌سازها و غارهایی که در آغاز مورد پرستش بوده‌اند به اشکال مختلف از جانب جماعت‌های مذهبی امروزی نیز همچنان مقدس شمرده می‌شوند (الیاده، ۱۳۹۰: ۲۴۷).

با ظهور دین زرتشت، اساطیر ایرانی صورتی جدید می‌یابد و ایزدانی که به دوران همزیستی مردم ایران و هند تعلق داشتند با ویژگی جدید در زیر لوای اعتقادات زرتشتی قرار می‌گیرند. بنا بر اساطیر زرتشتی، اورمزد آفرینش گیتی را آغاز می‌کند و سپس پدیده‌های گیتی را خلق می‌کند. این اسطوره تصاویری از جهان مینوی است و ارزش ابدی و ازلی دارد. پیش نمونه زمین، زمینی است هموار بدون پستی و بلندی. اهریمن که به زمین یورش می‌برد، بر اثر لرزش کوه‌ها پدید می‌آیند و بر اثر باران، دریا به وجود می‌آید. این تحولات بر اساس جدال اورمزد و اهریمن، باعث شکل‌گیری سرزمین مقدس خونیرث می‌شود. خونیرث ترکیبی از واژه *niraθ* و *xwa* است، در فارسی میانه به معنی «لایه و طبقه» است و آن نیز به «خود بنیان شده» و «بی ستون» است. ادبیات دینی زرتشتی کره زمین را به هفت اقلیم (کشور) تقسیم می‌کند که بزرگ‌ترین آن خونیرث نام دارد. در یورش دوم اهریمن به زمین بر اثر باران تیشتر^۱، رودها و دریاچه‌هایی که او به وجود آورده است؛ زمین را به هفت بخش تقسیم کرده و بدین ترتیب هفت کشور پدید می‌آید. کشور خونیرث در میان است و ایرانویج یا مکان ایرانیان در کشور خونیرث قرار دارد (تصویر ۱). طبق بندش، خونیرس خود به تنهایی برای شش اقلیم دیگر است و به اقلیم میانی معروف است. همه نیکویی‌ها در آنجا آفریده شده است و یلان و گردان از آنجا برخاسته‌اند. در متون پهلوی خونیرث با صفت بامی (روشن) وصف شده است (قلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۹۸). در باور ایرانیان پیش از اسلام، آب و زمین از قداستی فزاینده برخوردار بود و سرزمین ایرانویج که جایگاه مردمان آریایی است در مرکز کشور خونیرث قرار دارد. در بندش «ناف زمین» ایرانویج است که در مرکز آن کوه البرز واقع شده و از فراز «دایتی»^۲ چشمه‌های آب مایه می‌گیرد (یاحقی، ۱۳۹۴: ۸۱۲). کیان و یلان در خونیرث زاده شوند،



تصویر ۱. نقشه خونیرث بین هفت کشور (بهار، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

جدیدی را جهت مطالعات آتی در حوزه نگارگری و تأثیرگذاری اسطوره بر این هنر اصیل می‌گشاید.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته و شیوه گردآوری مطالب در آن با مراجعه به اسناد مکتوب و منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. مورد مطالعاتی این تحقیق نسخه گلچین اشعار ۸۰۱ ه. ق، محفوظ در موزه توپقاپی سرای کاخ است. در این مقاله تلاش خواهد شد تجلی اسطوره بهشت ایرانی در نگارگری دوره اسلامی را که در باورهای کهن ایرانی وجود داشته مورد بررسی قرار دهد، همچنین بن‌مایه‌های موجود در تصویر را با ژرف‌ساخت اسطوره‌ای آن تأویل کند. نخست نمونه‌های تصویری از دوره پیشاسلامی نقوش آب، کوه، درخت در آثار باستانی ذکر می‌شود و سپس استدلال نهایی در خصوص ویژگی‌های خاص اسطوره‌های مقدس، فضاهای نگارگری و ویژگی‌های پس‌زمینه و استفاده از گیاه‌آرایی در ۴ تصویر نسخه گلچین اشعار ۸۰۱ ه. ق تحلیل می‌شود. تصاویر و مناظر طبیعت با نقوش «کوه» و «زمین» و «آب» از گلچین اشعار به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند.

سرزمین خونیرث در اساطیر ایرانی

اسطوره دیدگاه‌های انسان را درباره خود انسان و جهان‌بینی هستی را در بردارد و به مدد اسطوره، انسان می‌تواند طبیعت و هستی را بهتر ادراک کند. اساطیر ایرانی بیشتر به آفرینش و بازسازی جهان و تفسیرهایی از فرایند تاریخ جهان می‌پردازد. اسطوره‌های هند و ایرانی غالباً بر نبردهایی متمرکزند که در طبیعت دیده می‌شود یا طبیعت آنها را منعکس می‌کند. خشکسالی و باران، رعدوبرق و گرمای خورشید، همه در نظر ایرانیان قدیم بازتابی از برخوردهای کیهانی بوده است (هینلز، ۱۳۷۳: ۶۳). ایرانیان از دیرباز به تمثیل و نمادپردازی برای اسطوره‌ها توسل می‌جستند زیرا برای تصویرکردن بعضی از اجزای هستی ناگزیر به پذیرش دلالت‌های مجازی بودند. بهشت جهانی مینوی بود که تصور آن فقط با نماد و قدسیت بخشیدن به عناصر طبیعی میسر می‌شد. آب، کوه، گیاه جز عناصر طبیعت ملموس برای بشر بودند اما با نگرش اساطیری و باور مذهبی مفهوم مثلی می‌یافتند. میرچا الیاده معتقد است که: «اسطوره نقل‌کننده سرگذشت قدسی و مینوی است. راوی واقعه‌ای است که در زمان شگرف بدایت همه‌چیز، رخ داده است. به بیان دیگر اسطوره حکایت می‌کند که چگونه به برکت کارهای نمایان و برجسته موجودات مافوق طبیعی، واقعیتی چه کل واقعیت، کیهان و فقط جزئی از واقعیت، جزیره‌ای، نوعی نباتی خاص، سلوک و کردار انسان پا به عرصه وجود نهاده است. بنا بر این اسطوره همیشه متضمن روایت یک

به نظر می‌رسد حضور نقش مایه‌های گیاهی در هنر ساسانی بر پایه اعتقاد به تقدس گیاه به عنوان بطن زاینده بشریت در اسطوره سرزمین خونیرث باشد (تصویر ۲). در هنر اسلامی نیز بازتاب تصور بهشت به مثابه تجلی‌گاه باوری کهن در آثار نگارگری و معماری نمود یافته است. در آیات قرآن کریم موارد متعددی با تمثیل‌های درخت و آب و سرزمینی آکنده از نعمات ذکر شده‌اند. بهشت آکنده از درختان است (رحمان/۴۸) که در میان آنها درختان بی خار و تاک و انار به چشم می‌خورد (واقعه/۲۸-۳۰) سایه این درختان همیشگی است و زیر درختان چشمه‌ها و نهرها جاری است (دخان/۵۲).

عناصر مقدس در خونیرث و بازنمایی آن در هنر ایران باستان الف- گیاه و درخت

از نقوش مکشوف روی نقش برجسته‌ها، ظروف سیمین و زرین و گچبری‌های ساسانی چنین برمی‌آید که تقدس درخت و عناصر گیاهی با توجه به باورهای مذهبی و تأکید بر باروری و زایش اساطیری جایگاه ویژه‌ای داشت. هوم که در دنیای مینوی ایزد است و در دنیای گیتی، علاوه بر خاصیت دورسازی دشمن، درمان‌بخش و سرور گیاهان است. هوم آسمانی را پسر اورمزد به شمار آورده‌اند و او را موبدی آسمانی دانسته‌اند (دادور، منصور، ۱۳۸۵: ۳۳). درخت نیز یکی از عناصر اصلی تزیین در هنر و معماری ایران پیش از اسلام است. درباره درخت بس تخمه یا همه‌تخمه که در خونیرث می‌روید در متون اساطیری چنین آمده است که: درخت مقدس بس تخمه در اوستا ویسپو پیش نام دارد، در ساقه‌اش، نه کوه آفریده شده که دارای نهصد و نه هزار و نهصد و نه جوی است. آب این جوی‌ها به هفت کشور زمین می‌رود و آب دریاها از زمین از مرکز هفت کشور (خونیرث) سرچشمه می‌گیرد (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۰: ۱۰۱). سرو از درختان مقدس دیگر است که نقش مایه آن بسیاری از آثار هنری ایران چه در دوره باستانی و چه اسلامی مزین به آن است (تصویر ۳). بر اساس روایات زرتشتی این درخت از بهشت آورده شده است. پس از آن‌که اورمزد اسرار دین را به زرتشت آشکار می‌کند، او پیامبری خود را اعلام می‌دارد و رهسپار دربار گشتاسب می‌شود. سپس او را به دین اورمزد فرامی‌خواند و با بیست و یک نسک اوستا و سرو همیشه‌سبز و آتش همیشه‌روشن، دین خود را به گشتاسب عرضه می‌کند (قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۶۸). در برخی از آیات قرآن کریم به میوه‌های درختان بهشتی اشاره شده است: برای مثال در آیه ۲۸ سوره واقعه و آیه ۱۶ سوره نجم درخت سدر توصیف شده‌اند. آیه «... جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...» سی و شش بار تکرار شده است و مضمون آن درباره باغ‌هایی است که شاخه‌شان پربار و در پای درختان نهرهایی زلال جاری‌اند. در قرآن در ارتباط با بهشت به میوه‌ها اشاره می‌شود شکل خاص مانند

بهدین مزدیستا نیز به خونیرث زاده شد و سوشیانس نیز در خونیرث به وقت هزاره پسین زاده خواهد شد تا اهریمن نابود کند (بند‌هش، بخش نهم، بند ۷۶).

اولین زوج بشری نیز طبق اسطوره آفرینش همه موجودات و عناصر در خونیرث از زمین رسته‌اند. مهرداد بهار معتقد است: «چون هر مزد، کیومرث که نخستین انسان است را آفرید و سپس هستی بشریت از نخستین جفت مشی و مشیانه پدید آمد و فرزندان ایشان نسل انسان را در کشور خونیرث ادامه دادند و تا پیرامون آن به شش اقلیم دیگر نیز تداوم یافت» (بهار، ۱۳۸۹: ۱۸۰). عناصر هستی و مظاهر طبیعی در بطن خونیرث توسط بارندگی بیشتر جان گرفتند. در آغاز آفرینش مادی بیشتر بارانی سهمگین را برمی‌انگیزاند و آب سراسر زمین را می‌گیرد و زمین به هفت بخش تقسیم شده و در خونیرث کوه و رود و گیاه و جانداران پدید می‌آید. آفرینش نخست مینوی بود و سپس بعد مادی گرفته، آسمان، آب، خاک، گیاه، حیوانات و انسان در خونیرث آفریده شده است. اهورامزدا خورشید را در آسمان نهاده و آب را به همراهی بیشتر بر زمین جاری ساخته است (پوردوود، ۱۳۷۷: ۴۳۲). در خونیرث گیاه و آب و کوه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تقدس گیاه ریشه در داستان آفرینش «مشی و مشیانه» دارد که در خونیرث به شکل گیاهی روئیده‌اند. از نطفه کیومرث که بر زمین ریخته می‌شود پس از چهل سال شاخه‌ای ریواس می‌روید که دارای دو ساقه و پانزده برگ است. این پانزده برگ مطابق با سال‌هایی است که مشی و مشیانه نخستین زوج بشر در آن هنگام دارند. این دو همسان و همبالا‌بند. این دو گیاه به صورت انسان درمی‌آیند و روان به‌گونه‌ای معنوی در آنان داخل می‌شود (آموزگار، ۱۳۸۹: ۴۹).



تصویر ۲. نقش درخت زندگی، طاق بستان، دوره ساسانی (UR11)

فراز کوه‌ها ساخته می‌شدند. سه آتشکده بزرگ دوران ساسانی؛ آذرگشسب و آذر فرنیغ و آذر برزین مهر یا بر فراز کوه یا در جوار آن ساخته شده‌اند همچون کوه ریوند و کوه روشن و کوه سهند (تصویر ۵). از این رو حک شمایل و بزرگداشت پادشاهان در دل تخته سنگ‌ها و کوه‌ها بی‌ارتباط با تقدس کوه در پندار ایرانیان پیش از اسلام نیست (تصویر ۶). موضوع شکار پادشاهان در کوه نیز از متداول‌ترین نقش‌مایه‌های مطلوب دوران ساسانی است. اهمیت کوه البرز در اساطیر زرتشتی به آن دلیل بود که روان‌ها پس از مرگ از آن‌جا به بهشت و دوزخ می‌رفتند.

ج- آب

در باورهای ایرانیان باستان، آب دومین آفرینش مادی به دست آفریدگار است. در بندهش چنین آمده است: «اورمزد نخست آسمان را آفرید. سپس آب را و فراخکرت را که آبش به اندازه بقیه دریاها عالم است. تمام این آب‌ها از سرچشمه اردی‌سور آنهایتا واقع بر البرزکوه روان شده‌اند» (قرشی، ۱۳۸۹: ۲۱۳). ایزدبانوی آب در اساطیر ایرانی آنهایتا به معنی رود نیرومند و پاک



تصویر ۵. آتشکده آذر برزین مهر، کوه ریوند خراسان (URL5).



تصویر ۶. نقش برجسته بهرام و ایزد بانو آنهایتا، دوره ساسانی (URL5).

(خرما و انار)، به عنوان بخشی از باغ ابدی، وعده داده می‌شوند. هم میوه‌ها و هم درختانی که آنها را به بار می‌آورند، دلالت ضمنی بر بهشت دارند (بی‌دنی، ۱۳۹۹: ۱۴۴).

ب- کوه

خداوند در آیه ۲۱ سوره حشر می‌فرماید: «اگر این قرآن را بر کوهی فرو می‌فرستادیم، یقیناً آن (کوه) را از بیم خدا، از هم پاشیده می‌دیدید و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم؛ باشد که آنان بیندیشند». «آیا ندیدی که خدا از آسمان، آبی فرود آورد؛ پس با آن، میوه‌های رنگارنگ بیرون آوردیم و از کوه‌ها، راه‌هایی به رنگ‌های گوناگون سفید و سرخ و سخت سیاه است» (فاطر/۲۷). در متون پهلوی در کتاب «بندهش» روایت آفرینش شرح داده شده است. در این کتاب، تمام کوه‌ها مقدس بوده و در ارتباط و پیوند مستقیم با مادر زمین (سیندار مزد) قرار دارند و فرزند آن به شمار می‌آیند و از طرفی در ارتباط با آسمان (به عنوان اولین مخلوق جهان مادی) می‌باشند (حسامی، ایمانیان، ۱۳۹۶: ۱۳۳). کوه نماد پیوند زمین و آسمان است و رمز محور کیهانی است که زمین را به آسمان پیوند می‌زند (دوبوکور، ۱۳۸۷: ۱۲). در اساطیر غالب مللی که کوه در میان آنها نمادی مقدس به شمار می‌آید عموماً یک کوه وجود دارد که مرکز عالم تصور می‌شود. در ایران کوه البرز، کوه اصلی بود که هشتصد سال طول کشید تا از زمین به درآمد (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۲۶). در اساطیر زرتشتی بر اثر هجوم اهریمن بر زمین لرزه‌ای سخت باعث پیدایش کوه‌ها می‌شود و با رستن کوه‌ها از زمین خونیرث، کوه مهم به نام البرز که به آسمان پیوسته به وجود می‌آید (بهار، ۱۳۸۹: ۱۴۲). این کوه نماد بهشت آرمانی است، زیرا قله آن جایگاه سنجش کردار مردمان در روز داوری واپسین است. در ایران اکثر عبادتگاه‌ها و آتشکده‌ها بر



تصویر ۳. گچبری با نقش سرو، دوره ساسانی (URL4)

بررسی اجمالی مکتب نگارگری شیراز

پس از سقوط سلسله ایلخانان در شیراز سه دوره تاریخی آل اینجو، آل مظفر و آل تیمور شکل گرفت که شیراز را مبدل به پایتخت ادبی و فرهنگی ایرانی کردند. این شکل‌گیری موقوف به صد و اندی سال از تاریخچه مکتب نگارگری شیراز یعنی از سال ۷۳۶ ه. ق تا ۸۵۰ ه. ق است. گرایش‌های ایرانی و ایران‌دوستی در هنر پروران و حاکمان شیراز باعث پیوند شکوه و شوکت دربار به سنت‌های هنری پیش از اسلام شد. آل اینجو با رویکردی اسلامی به تبلیغ تعالیم و اندیشه‌های سیاسی پیش از اسلام برآمدند، آل مظفر هم با احیای تعالیم اسلامی از نوع سنت در پی مشروعیت بخشیدن به حکومت خود بودند (آژند، ۱۳۹۳: ۱۲۱). تمایل حاکمان تیموری در شیراز به احیای سنت‌های گذشته، هنر تصویری ایران باستان با پیش‌زمینه‌های اسطوره‌ای را در هدف‌های جدید مورد توجه قرار داده و طبق شرایط زمانه به تکامل آن پرداختند. تصاویر نسخه‌های مصور مکتب شیراز، با وجود محلی بودن نشان از استقلال و ابتکار هنرمندان شیرازی دارد و زمینه‌های تکوین مکتبی را در نگارگری ایران فراهم می‌آورد که تا قرن یازدهم ه. ق دوام داشت (کن بای، ۱۳۹۴: ۴۱). استحاله عقاید و آرمان‌های ترکی - مغولی تیموریان در شیراز و مرکز ایران شدید بود. این مناطق از روزگاران باستان مهد اندیشه‌های ایرانی و در روزگار اسلامی، بستر افکار و رویکردهای ایرانی - اسلامی بود. این اندیشه‌ها و عقاید در هر دوره‌ای به‌نوعی و بنا به گرایش حکمرانان، تجلی پیدا می‌کرد. هنگامی که حکمرانان تیموری در این سرزمین مستقر شدند، از همان آغاز به این آرمان‌ها و اندیشه‌ها دل بستند و با حمایتی که از آنها به عمل آوردند، رویکردهای ترکی - مغولی خود را با آن پیوند زدند و در نتیجه، جوشش و فیضان مکتب نگارگری شیراز با معیارها و ترازوی والا در روزگار آنها نمودار شد (آژند، ۱۳۸۹: ۱۲). کارگزاران و حکمرانان تیموری پس از مرگ تیمور، عمیقاً از حیات فرهنگی و هنری شرق ایران حمایت کردند. این حمایت آنها، البته، از نیازها و ضرورت‌های جدید خاندان حاکم تیموری حکایت می‌کرد و این رویکردها را حضور هنرمندان و پیشه‌ورانی که تیمور از مناطق مختلف در سمرقند و شرق ایران گرد آورده بود، تقویت می‌کرد. ترکیب سبک‌های مختلف هنرمندان نواحی پراکنده ایران با گرایش‌های فرهنگی تیموریان، محیط خلاق در هنرها را پدید آورد و شیراز یکی از محیط‌های خلاق و نوآور بود. تعامل در عرصه فرهنگی شیراز آمیزه‌ای از خصوصیات سه از فرهنگ ایرانی، اسلامی پدید آمد آنچه این جهان‌بینی را در هم آمیخت، فرهنگ اسلامی ایران برآمده از باورهای باستانی بود که ناهمگنی فرهنگ را می‌سترد و محصولی بدیع و پرورده در شیراز دوره تیموری ایران فراز می‌آورد. نگاره‌ها به رنگ و رونقی پرتالو دست یافتند و از کدوری فام دوره پیشین (سلجوقی) رهایی یافتند. در دوره آل اینجو نگاره‌ها

است که نماد حاصلخیزی، برکت، عشق، مادری و زایش است. او سرچشمه همه آب‌های روی زمین و منبع باروری است، رحم مادران را پاک و نطفه مردان را می‌آلاید (یاحقی، ۱۳۹۴: ۸۱۴). بیشتر ایزد باران، حامی و همراه آنهاست و به یاری مینوی خرد با وزیدن باد و آب‌ها را به کرانه زمین می‌برد و دریای فراخکرت را به وجود می‌آورد (آموزگار، ۱۳۸۹: ۲۵). دریای فراخکرت در کنار البرز پدید آمد که یک‌سوم زمین را در بردارد (بهار، ۱۳۸۹: ۱۴۱). بخشی از جنوب خونیرث را نیز این دریا فرامی‌گیرد در ایران پرستشگاه‌های بسیاری وقف ایزد آب شده است؛ معبد آنهاست در کنگاور و کازرون و شوش که ویرانه‌های آن هنوز پابرجاست. در دوران ساسانی تصویر ایزدبانو آنهاست به‌طور گسترده‌ای بر ظروف سیمین و زرین نقش بسته است (تصویر ۷). آب به عنوان عنصر آلاینده و زندگی‌بخش در ایران آن‌چنان دارای اهمیت بوده که آلودن و رساندن ناپاکی به آن گناهی نابخشودنی محسوب می‌شده است. پاکی و تطهیر از صفات خرد آفریدگار بود. هنگامی که خورشید در خونیرث برآید، زمینی که اهورامزدا آفریده پاک شود، آب چشمه پاک شود و آب دریا پاک شود. پاکی که آفرینش آن از بطن خرد مقدس است (پورداوود، ۱۳۴۷: ۱۰۲). در اسلام آب واژه آب به معنای رحمت و بخشایش است. علاوه بر این آب زمینه‌ساز ارتباط با معبود بوده و شرط ورود به آداب عبادات داشتن وضو است (لینگز، ۱۳۷۴: ۶۰۵). آب در عربی معادل «ماء» است و ۶۳ بار در قرآن کریم ذکر شده است؛ به طوری که گاه آن را سرآغاز آفرینش جهان ماده خوانده (سوره هود/۷)، و گاه مبدأ نشو و مایه هر زنده توصیف نموده است (نور/۴۵ و انبیاء/۳۰) (ضرغام و حیدری، ۱۳۹۱: ۵).



تصویر ۷. ظرف زرین با نقش آنهاست، دوره ساسانی (URL5).

منتزعی از طبیعت است (کن بای، ۱۳۹۴: ۴۳). از شاخصه‌های مهم مکتب نگارگری شیراز در دوران آل مظفر، منظرپردازی است. درختان در چند ردیف پشت هم و کوه و رودخانه‌هایی که از بطن سنگ‌ها جریان دارند و مناظر آکنده از جلوه‌های طبیعت و گلستان و باغ و انبوه گیاهان است و در برخی دیگر تسلط طبیعت بر پیکره‌ها مشهود است چنان‌که چشم در وهله نخست کوه و درختچه‌ها و گیاهان سرسبز را می‌بیند و سپس حالات پیکره و شخصیت‌های انسانی را درمی‌یابد (تصویر ۹).

سنت منظرپردازی مکتب شیراز حتی پس از سقوط سلسله آل مظفر در سال ۷۹۶ ه. ق که تیمور وارد شیراز شد و بعد آن هم نیز در دوران تیموری به حیات خود ادامه داد. اوضاع حمایت از هنرمندان و روند تولید نسخه‌های مصور و گلچین اشعار در زمان نوه تیمور، اسکندر سلطان برقرار بود و کتبی با خصوصیات نگارگری آل مظفر و آل جلایر تولید شدند. رونق کارگاه‌های درباری شیراز در این دوره نیز همچنان به قوت خود باقی بود. حضور نگارگران و کاتبان مکتب تبریزی تأثیر در شکوفایی نگارگری این دوره نبود. نسخه‌های تولید شده در دربار اسکندر سلطان ترکیبی از ویژگی‌های آل مظفر و آل اینجو و بارقه‌هایی از جلایری بود. مهم‌ترین نوع نسخه‌ها، گلچین‌های ادبی و علمی بودند که اکثر آنها در قطع کوچک پدید آمده‌اند. مناظر زیبا و تغزلی و بالاتر از همه قطع بزرگ روزگار آل مظفر جای خود را به نگاره‌های کوچک و پویا در گلچین ادبی و علمی داد (آژند، ۱۳۹۳: ۱۹۰). یکی از این گلچین‌ها، گلچین اشعار مرقوم سال ۸۰۱ ه. ق است که

قرمز و زرد و طلایی شده و قلم‌گیری‌ها به صورت خطی پررنگ است و جزئیات ابرها و گیاهان و نوع چهره‌پردازی تأثیر کمی از نقاشی چینی دارد، از نمونه‌های مصور این دوران که خصلت‌های بومی را نشان می‌دهد شاهنامه «قوام‌الدین حسن» وزیر آل اینجو است که علیرغم بومی‌گرایی، حاکی از تمایل نگارگران شیرازی به قراردادهای کهن تصویری ایرانی است (تصویر ۸). رونق فرهنگی شیراز در عهد آل مظفر نیز ادامه یافت. در ربع سده هشتم ه. ق با سلیقه تازه‌ای در کارگاه‌های سلطنتی رخ نمود و هم منظومه‌های تغزلی به برنامه کتاب‌نگاری افزوده شد و هم شیوه و اسلوب کار تغییر کرد (پاکباز، ۱۳۸۳: ۶۹). سلسله مظفریان پس از تضعیف مغول‌ها نخست در کرمان و سپس در شیراز در سال ۷۵۳ ه. ق به رهبری مبارزالدین تأسیس گردید و وی با دواوین نگارگری که زمانی برای فرمانروایان ایلخانی کار می‌کردند آشنایی داشته است. در این دوره به فرهنگ ایرانی - اسلامی توجه بیشتری شد، هرچند گرایش به اسلام در دوران آل اینجو نیز وجود داشت اما اینجویان بر سنت‌های تصویری ایران باستان نیز تأکید داشتند، درحالی‌که احیای تعالیم اسلامی مورد نظر آل مظفر بود. با وجود معدود بودن کتاب‌های این دوران تحولاتی چند در نگارگری آل مظفر رخ داده است، منظرپردازی و افق‌های مرتفع و گرد جایگزین فضا سازی خام آل اینجو شد. نگاره‌های مکتب مظفری سرشار از جلوه‌های طبیعت است، در این نگاره‌ها انبوه علفزار، گلستان و باغ‌هایی که پرندگان در آن آشیانه دارند به چشم می‌خورد. شاخص‌ترین نگاره‌های این مکتب در بردارنده خطوط مواج و شکل‌های تزیینی



تصویر ۹. اسکندر و حکیم، شیراز، دوره تیموری (Loukonine and Ivanov, 2014: 88).



تصویر ۸. ملاقات با مجنون، خمسه نظامی، دوره مظفریان، شیراز (کن بای، ۱۳۹۴: ۳۳).

دربدارنده دیوان اشعار شاعرانی چون نظامی، امیر خسرو و دهلوی، سعدی و عمید الملک است.

گلچین اشعار ۸۰۱ ه. ق مکتب شیراز دوره تیموری

یکی از عوامل احیای نگرش مذهبی در دوره تیموری توسط نوادگان تیمور در شیراز، کسب اعتبار فرهنگی و دینی در این شهر بوده است. شیراز به عنوان مرکز فرهنگی و هنری که حافظ سنت‌های تصویری پیشینیان بود و به دلیل ثبات سیاسی، نماد قدرت و مشروعیت بخشیدن به حکومت محسوب می‌شد. از این رو شاهزادگان تیموری برای حفظ اقتدار با حمایت از فعالیت‌های هنری به اعتبار سیاسی دست می‌یافتند. آنها با احترام به عقاید مذهبی ایرانیان زمینه‌های شکل‌گیری نسخه گلچین اشعار را فراهم آوردند.

این گلچین اشعار در موزه آثار ترکی و اسلامی استانبول با شماره نسخه ۱۹۵۰ محفوظ است. تعداد ۱۲ نگاره برگ‌های آن را مزین کرده است. ارنست گروبه معتقد است که: «این نگاره‌ها بازتابی از اعتقادات زرتشتی است، زیرا در آن انسانی و حیوانی مصور نشده، فقط در نگاره آخر چند پرند در طبیعت حضور دارند. نگاره‌ها تصاویری از جهان واقعی را ارائه نمی‌دهند بلکه بر حس و اصالت از تاریخ اساطیری تأکید می‌ورزند» (Grube, 2000). نام کاتب آن منصور بن محمد بن عمر بختیار بهبهانی است (۹۴). به همین علت آن را در شهر بهبهان کتابت کرده است. نام نگارگر نسخه مشخص نیست، اما از شواهد امر پیداست که نگارگر آن شناخت خوبی از جهان اساطیری و باورهای سرزمین مقدس

زرتشتی داشته است، زیرا فضایی آکنده از درخت و جویبارهای زلال و کوه‌های مفروش از گیاهان و آسمان صاف را تجسم کرده است و بدین ترتیب صحنه‌ای بی‌بدیل از بهشت را به انجام رسانده است. کوه‌های با انواع درختان و گیاهان آراسته شده‌اند، رودهای گوارا از فراز تخته‌سنگ‌ها جاری هستند و ماکیانن چند در زلال جویبارها شنا می‌کنند. عناصر مسلط در نگاره‌ها منحنی است و ستیغ کوه‌ها نرم و بدون دندان ترسیم شده‌اند (تصویر ۱۰).

تجلی اسطوره خونیرث در تصاویر منتخب گلچین اشعار ۸۰۱ ه. ق:

فضای نگاره‌ها تمثیلی بهشتی توأم با خرمی و شادابی درختان را ارائه می‌دهند و فضا که خود بسنده و کامل است تمام الگوهای حیات را در خود جای داده است. جهانی آرمانی فارغ از قیدوبندهای مادی در صحنه ظاهر شده است. منظره‌ای نامتناهی که با رنگ‌بندی‌های گرم به چشم می‌خورد، اندیشه‌ای اصیل از باور اسطوره‌ای به سرزمین خونیرث است که در دیدگاه اسلامی بهشت را متجلی می‌کند. در چهار نگاره رود و آب در زیر قسمت تحتانی قرار دارد که یادآور دریای فراخکرت در خونیرث است. در زمین خونیرث گیاهان و کوه و آب خاصیتی ماورایی دارند و تجلی‌گر جاودانگی قدسی هستند همان‌گونه که در بهشت آب چشمه کوثر و درخت طوبی خصلتی ماوراءالطبیعه را دارند. در فاصله خورشید و اقیانوس خونیرث، زمینی قرار می‌گرفت آکنده از چشمه‌های جوشان، گیاهان رویان، ابرهای سرگردان و هر آنچه در ذهن انسان می‌گنجید. چنین مناظری البته نمی‌توانست نماینده منظره‌ای واقعی در زمین باشد بلکه نمادهایی از طبیعت بود که هیچ‌گونه همخوانی با واقعیت نداشت (Coomaraswamy, 1927: 8). عناصر گلچین اشعار ۸۰۱ ه. ق با دارا بودن کیفیت لامکانی و لازمانی همچون کوه البرز و چشمه‌های جوشان و اقیانوسی که به کوه البرز ختم می‌شود و درختان سرو و انار و همه‌تخمه و انگور که در کل فضای نگاره جلوه یافته‌اند به خاستگاه اولیه شکل‌گیری بهشت و باغ ایرانی در سرزمین خونیرث اشاره می‌کنند (تصویر ۱۲). در نگاره‌ها درختان سرو، درخت کاج با میوه‌های قرمز شبیه به گل، درخت شکوفه سفید با ساقه قرمز، درختان نخل با برگ سبز و خوشه‌های طلایی خرما و درختان دیگری که برگ‌های لطیف دارند. روی شاخ و برگ درخت‌ها انواع پرندگان به صورتی منظم نشسته و بعضاً به آواز خوانی مشغول‌اند. رودخانه‌ای پیمان از کوه سرچشمه گرفته و پس از گذشتن از میان درختان به حوضچه‌ای می‌ریزد. افق نگاره‌ها با زمینه‌ای دل‌نشین، فضایی روشن و تابناک را نشان می‌دهد (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۰: برگی از کتاب گلچین اشعار، قرن هشتم شیراز، دوره تیموری (URL6).

گیاهی و طبیعی در خور توجه است (Loukonine and Ivanov, 88: 2014). تجسم بهشت در آثار هنری ایران توأم با حمایت دربار برای نمایش فضایی صلح و تمثیلی از حکومت آرمانی زمینی به عنوان جایگزینی برای دیدگاه اعتقادی به بهشت به مثابه محل رودهای جاری، درختان سرسبز و سرزمینی پر نعمت به کار رفت. رواج این بازنمایی نشان می‌دهد جوامعی که این آثار هنری را تولید کردند، علاقه‌ای عمیق به طبیعت و دل‌بستگی به کام‌جویی از زیبایی بصری در زندگی روزمره داشتند و در لذات حسی باغ، پاداشی برای رفتار زاهدانه می‌دیدند (بی دنی، ۱۳۹۹: ۱۴۴). این نسخه‌نگاره‌هایی در را بردارد که به خوبی توانسته خیال‌انگیزی جهان اساطیری و عناصر طبیعی را به صورت نمادین به نمایش بگذارد و مناظری را عرضه کند که به جای بازنمایی عینی طبیعت جلوه‌های رمزگونه آن را متجلی کرده است. نگاره‌های گلچین اشعار فاقد حضور پیکره انسانی و یا روایت هستند. ویژگی‌های پس‌زمینه آنها در حالت قرینگی و مرکزگرایی است. بخش اعظمی از نگاره‌ها با کوه‌های منقش و زمین مفروش از گیاه و بوته و درختان سرسبز آراسته شده است. آسمان در (تصویر ۱۱) حالتی مه‌آلود و ابری دارد گویی باران بر طبیعت گلگون باریده است. کوه‌های قرینه کنار و پشت یکدیگر با درختان و رود و آب و پرندگان ساختار کلی این نگاره‌ها را تشکیل می‌دهند. تشابهات نزدیکی در عناصر تصویری نگاره‌ها و اسطوره‌های ایرانی در این نسخه وجود دارد. که همانا واضح‌ترین نمونه، کوه مقدس البرز در میانه عالم و دو کوه پیرامون آن است که از آن به عنوان جایگاه برآمدن خورشید و ماه و ریزش آب‌های مقدس آن‌ها یاد شده است و دو رود مقدس سرچشمه

چشم‌اندازهای طبیعی در نگاه نگارگر با خیال و رؤیاهای او در هم آمیخته و صورتی زیبا از طبیعت را ترسیم کرده است که بیننده را به جهانی آرمانی می‌برد و فضایی را متجلی می‌کند که بیننده را به مکانی ماورایی برده و جهانی را نمایان می‌سازد که در آن آب‌های خوشگوار جاری است و پرندگان خوش‌الحان بر شاخ و برگ درختان همیشه خرم آن نغمه‌سرایی می‌کنند و میوه‌های شیرین و انواع نوشیدنی‌های گوارا برای مؤمنین مهیاست و این‌ها همه در بهشت وعده داده شده که نگارگر تصویر مثالی آن را نقش زده است (جوادی، ۱۳۸۳: ۳۱).

ارنست هرتسفلد درباره تداوم اساطیر در نمود اعتقادات اسلامی می‌گوید: «هنر ایران نه‌تنها با اسلام ادامه یافت بلکه با پذیرش فرهنگ اسلامی، قدرتمندتر از گذشته به حیات نوینی دست یافت. در این دوره هنرمندان، بسیاری از نقش‌مایه‌های قبل از اسلام را اقتباس و به آنها مفهوم کاملاً نو و هماهنگ با جهان‌بینی اسلامی دادند» (Herzfeld, 1974: 340). اگرچه نگارگر این نسخه نام و نشانی از هویت خود در نگاره‌ها به‌جا نگذاشته است و فقط به تصویرپردازی فضایی آکنده از مضامین اسطوره‌ای با تکیه بر بینش اسلامی پرداخته است. اما کارستان او بی‌شبهت به نازک‌خیالی و بدیع‌سرایی یک شاعر نیست. در سبک نگارگری شیراز ادبیت متن و الگوهای کهن عنصر غالب تصویر به شمار می‌آیند و افزون بر وفاداری به سنت‌های تصویری قدیمی از معیارهای کمال‌گرایی برخوردارند. اگرچه نگارگری سبک شیراز در بعضی از نسخه‌ها به جمال و غنای نسخه‌های ادوار بعدی نمی‌رسد. اما با نگاهی شاعرانه به طبیعت و وفور نقش‌مایه‌های



تصویر ۱۲. برگی از کتاب گلچین اشعار، قرن هشتم شیراز، دوره تیموری (URL6).



تصویر ۱۱. برگی از کتاب گلچین اشعار، قرن هشتم شیراز، دوره تیموری (URL6).

گرفته از کوه‌های نخستین عالم، قبل از اینکه به دریای فراخکرت در پای البرز بریزند به یکدیگر می‌پیوندند و این توصیف به‌وضوح در نگاره‌ها دیده می‌شود (حسامی، ایمانیان، ۱۳۹۶: ۱۴۱). در «جدول ۱» عناصر و آرایه‌های منقوش در ۴ نگاره گلچین اشعار تحلیل می‌شوند.



تصویر ۱۳. برگی از کتاب گلچین اشعار، قرن هشتم شیراز، دوره تیموری (URL6).

جدول ۱. عناصر مقدس اسطوره‌ای در نگارگری گلچین اشعار ۸۰۱ ه.ق.

عناصر در نگاره‌ها	نحوه ترسیم در نگاره‌ها
گیاهی	گل‌ها و بوته‌های متنوع به منظور تلطیف و زیباسازی فضا تاکیدی بر ستایش طبیعت و سمبلی از رحمت روحانی
درخت	درختان میوه‌دار، سایه گستر و شکوفه دار استفاده از درختان نمادین همچون سرو
آب	به صورت پيچان لابه لای درختان، همراه با عناصر تزئینی کوچک مرغابی درون حوض‌ها و بافت متنوع در ترسیم موج
کوه	در مرکز جهان آفرینش کوه مقدس موجب پیوند زمین و آسمان است کوه‌های طلایی رنگ همان اولین قله‌های برآمده از دل زمین اند

نتیجه‌گیری

طبیعت‌گرایی و آمیختگی انسان با عناصر طبیعی از دیرباز در هنر ایران وجود دارد. برای ادراک نگاره‌های گلچین اشعار ۸۰۱ ه.ق نباید به جلوه‌های طبیعی چون گیاه و کوه و آب اکتفا کرد، زیرا رگه‌های نامحسوس اندیشه مذهبی منجر به بازنمایی فضایی متعالی شده است و خاستگاه اولیه عناصر نگاره‌ها ریشه در اساطیر دارد. اسطوره‌ای مقدس که در آن خونیرث سرزمین جاویدان مردمان آریایی است و در قلب جهان قرار دارد. سرزمینی که عناصر طبیعی در آن پاک و مقدس هستند و آلودن آن ناپاکی بزرگی به شمار می‌آید. این اسطوره در قرن هشتم ه.ق با رویکردی مذهبی مورد توجه حاکمان تیموری در شیراز قرار می‌گیرد. تیمور و جانشینانش نظام حمایتی در پیش گرفته بودند که رابطه مستقیم با نیت سیاسی آنها داشت، بنابر این نوادگان تیمور در شیراز در پی مشروعیت حاکمیت اسلامی پیوندی بین باورهای مورد احترام اساطیری و تفکر اسلامی برقرار کردند. در مناظر گلچین اشعار به‌وضوح توصیف اسطوره‌ای بهشت و دریای «فراخکرت» و سرچشمه آب‌های مقدس از کوه‌ها و تقدس «اردوی سوراآهیتا» در مرکز زمین اساطیری ایرانی (خونیرث) دیده می‌شود. با نگاهی به سیاق بیان مناظر و طبیعت‌پردازی سده ۸ تا ۱۰ ه.ق مکتب شیراز ارتباط آن با اساطیر ایرانی، پیوند میان روح و خاستگاه مشترک مابین آنها قابل قبول به نظر می‌رسد. نگارگر گلچین اشعار با استناد به آموزه‌های دین اسلام و سکنی‌گزیدن ابدی نیکوکاران در بهشت، جهانی آرمانی نگاره‌ها را بر پایه سرزمین مقدس در باورهای مردمان کهن پدید آورد. از این رو پیوند اسطوره و هنر با نمایش عناصر طبیعی که معنای ماورایی دارند در گلچین مشهود است. نگارگر علی‌رغم اینکه ملهم از سبک و سیاق آرایه‌بندی ساسانی و عقاید باستانی بوده اما توانسته به‌خوبی اندیشه پیشاسلامی را با فرهنگ و مذهب جامعه اسلامی ادغام کند. رنگ‌بندی غنی و سرزمینی مفروش از گیاهان و بوته‌ها و آراسته به انواع درختان مصداق بهشت در اندیشه‌های اسلامی است و منظره‌پردازی گلچین فقط معطوف به شیوه و اسلوب بازمانده از دوره‌های آل اینجو و آل مظفر نبوده است. هنرمند مسلمان گلچین اشعار با تکیه به اعتقادات قلبی خود به بازنمایی سرزمین خونیرث در قالب تفکر اسلامی پرداخته و مناظری باشکوه مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی آفریده است. نگارگر در به تصویر کشیدن اسطوره مقدس ایرانی و پیوند آن با عقاید دوران اسلامی کاملاً موفق عمل کرده است و هدف او ترسیم جاودانگی و نمایش نظم بنیادین با تکیه به الگوهای باستانی بوده و صرفاً به تزئینات و آراستن فضا با نقش‌مایه‌ها اکتفا نکرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. بیشتر یا ایزد باران؛ یشت هشتم اوستا در ستایش او است.
۲. دانتی؛ نام قله‌ای در ایرانویج و میانه جهان که پل چینود بر فراز آن قرار دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

آژند، یعقوب (۱۳۹۳)، مکتب نگارگری شیراز، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.

الیاده، میرچا (۱۳۹۰)، *اسطوره بازگشت جاودانه*، ترجمه بهمن سرکاراتی، تهران، انتشارات طهوری.

الیاده، میرچا (۱۳۶۲)، *چشم‌اندازهای اسطوره*، ترجمه جلال ستاری، تهران، انتشارات توس.

آموزگار، ژاله (۱۳۸۹)، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران، انتشارات سمت.

بهار، مهرداد (۱۳۸۹)، *پژوهش در اساطیر ایران*، تهران، انتشارات آگه.

پاکباز، رویین (۱۳۸۳)، *نقاشی ایران از دیرباز تا اکنون*، تهران، انتشارات سیمین و زرین.

پوردوود، ابراهیم (۱۳۷۷)، *یشت‌ها*، ج ۱، تهران، انتشارات اساطیر.

دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام (۱۳۸۵)، *درآمدی بر اسطوره و نمادهای ایران و هند*، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء.

دوبوکور، مونیک (۱۳۸۷)، *رمنهای زنده جان*، تهران، انتشارات مرکز.

فربغ دادگی (۱۳۸۰)، *بندهش*، ترجمه مهرداد بهار، تهران، انتشارات توس.

قرشی، امان‌الله (۱۳۸۹)، *آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی*، تهران، انتشارات هرمس.

قلی‌زاده، خسرو (۱۳۸۸)، *فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه متون پهلوی*، انتشارات پارسه.

کن‌بای، شیدا (۱۳۹۴)، *نقاشی ایرانی*، ترجمه مهدی حسینی، تهران، انتشارات دانشگاه هنر.

هینلز، جان (۱۳۷۳)، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، انتشارات چشمه.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۹۴)، *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.

مقالات

آژند، یعقوب (۱۳۸۹)، تعامل فرهنگ‌های ایرانی، اسلامی و ترکی در شیراز

(سده هشتم و نهم قمری)، *تاریخ ایران*، ش ۶۰، ۲-۱۶.
 حسامی کرمانی، منصور؛ ایمانیان، ملیحه (۱۳۹۶)، «طبیعت» تجلی مکان مقدس در نگارگری ایران بازتاب کهن الگوی ایرانی در زمین و کوه در نگارگری ایران با کمک آرای میرچا الیاده، نگره، ش ۴۷، ۱۳۱-۱۴۵.
 جواد، شهره (۱۳۸۳)، *منظرپردازی در نگارگری ایرانی*، *باغ نظر*، ش اول، ۲۵-۳۷.

دنی، بی، والتر (۱۳۹۹)، *بازتاب بهشت در هنر اسلامی*، ترجمه محسن ساربان نژاد، *مطالعات هنرهای زیبا*، ۱۴۲-۱۵۲.

شادلو، داوود؛ شیرازی، علی اصغر (۱۳۸۸)، طراحی و طراحان فرش در دربار اسکندر سلطان، نگره، ش ۱۳، ۴۱-۵۱.

لینگز، مارتین (۱۳۷۴)، *نماد آب در قرآن*، ترجمه سید رحیم موسوی نیا، *فصلنامه هنر*، ش ۲۸، ۶۰۵-۶۱۲.

ضربغام، ادهم، حیدری، الهام (۱۳۹۱)، *جایگاه آب در نگاره‌های سلطان ابراهیم میرزا*، *باغ نظر*، ۳-۱۲.

مبینی، مهتاب، شافعی، آزاده (۱۳۹۴)، *نقش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر ساسانی*، *جلوه هنر*، ش ۱۴، ۲۵-۶۴.

مشبکی، علیرضا، صفایی، نرگس (۱۳۹۸)، *بررسی تطبیقی گیاهان مقدس و اسطوره‌ای در هنر صدر اسلام و پیش از اسلام (هخامنشی و ساسانی)*، *معماری‌شناسی*، ش ۱۲، ۵۴-۶۶.

Coomaraswamy, Ananda (1927). *History of Indian and Indonesian Art*, Vandom Press, London.

Grube, E (2000). *Ibrahim-Sultan's, Anthology of Prose Text Persian Painting*, Ed, Hillenbrand, London.

Herzfeld, E (1974). *Archaeological History of Iran*, Phaidon, London.

Loukonine, Vladimir and Ivanov, Anatoli (2014). *Persian Miniatures*, Parkstone Press International, New York, USA.

URL1: <https://iranparadise.com/bisotun-and-taq-e-bostan/tagh-bostan-2/> بازبایی 20/10/1403

URL2: https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_1908-1118-1 بازبایی 20/10/1403

URL3: <https://www.clevelandart.org/art/1962.294> بازبایی 20/10/1403

URL4: <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/322634> بازبایی 19/10/1403

URL5: <https://www.travital.com/attraction/azar-borzin-mehr-fire-temple-of-reyvand-sabzevar/> بازبایی 20/10/1403

URL6: www.turkishandislamicartsmuseum.tr بازبایی 19/10/1403



دوفصلنامه رهپویه حکمت هنر با احترام به قوانین اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیته اخلاق در انتشار (COPE) می‌باشد و از آیین‌نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می‌نماید.



COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



Reflections of the Khunirath Myth in the Illustrations of Varia Poetry From the Shiraz School During the Timurid Era

Marzieh Toraji¹

Type of article: original research

Receive: 30 OCTOBER 2024, Accept Date: 20 January 2025

DOI: 10.22034/rph.2025.2044607.1083

Extended abstract

Iranian painting represents a world in which there is no manifestation of physical quantities, and the laws of realism do not apply. The Iranian painter did not endeavour to create a representation; instead, by using a literary or mythological subject as a basis, they sought to reflect a glimpse of the inner realm by depicting the manifestations of nature. The works created this way can be seen in books and illustrated manuscripts. Among these, the illustrated anthology of poems from the year 801 AH (Hijri) produced in the Shiraz school during the Timurid period is a prominent example of spatial representation in imagery based on mythology and the depiction of natural forms in pursuit of inner manifestation. The motifs depicted in the anthology reflect the same abstract concepts prevalent in pre-Islamic art, often seen in plaster works, silver and gold vessels, and pottery. These motifs, after the advent of Islam, have been harmonized with the teachings of the pure religion of Islam and have transformed into symbols of the promised paradise of Muslims.

In the realm of Iranian painting, Shiraz stands as one of the most important centers for producing illustrated literary manuscripts, showcasing a painting type that effectively illustrates the connection with pre-Islamic visual traditions and their revival in Islamic form. While preserving their local identity, the artists of Shiraz also drew on the experiences of previous artists and the treasury of Iranian motifs, striving for the flourishing of Shiraz's painting school and adding innovations to it. Since traces of pre-Islamic plant motifs and symbolic elements are evident in the landscape style of the Shiraz school, it becomes essential to conduct further studies regarding the concepts of these motifs and how they have persisted in Shiraz's painting. The existence of these conceptual motifs as a primary decorative element in art and architecture before Islam and their continuation in the landscapes of the anthology of poems from 801 AH raises several questions in this field:

1.The Member of Graphic design Department, Faculty of Architecture & Art , University of Guilan, Rasht, Iran. Email: Marziehtoraji@guilan.ac.ir

In the landscape illustrations of this anthology, are the visual characteristics and decorative elements derived from mythical concepts? Do these motifs and symbolic elements merely serve a decorative purpose in the illustrations of the anthology, or do they embody a belief in the sanctity of mythological heritage and Islamic paradise?

Based on this, in this research, after investigating the concept of Khunirath and the three important elements of plants, water, and mountains in mythology and their origins, the analysis will focus on the role of these elements in the spatial representation of the landscapes in the anthology of poems from 801 AH. With the emergence of Zoroastrianism, Iranian myths took on a new form, and the deities belonging to the era of cohabitation between the peoples of Iran and India came under new characteristics aligned with Zoroastrian beliefs. In “Khunirath”, plants, water, and mountains are important. The sanctity of plants is rooted in the creation story of “Mashye and Mashyane,” where they are depicted as having grown in “Khunirath”. From the seed of Kayumars that falls to the ground, a stalk of rhubarb grows with two stems and fifteen leaves after forty years. From the uncovered motifs on bas-reliefs, silver and gold vessels, and Sasanian plasterworks, it can be inferred that the sanctity of trees and plant elements had a significant place in religious beliefs and emphasized fertility and mythical birth. In Zoroastrian mythology, due to the onslaught of the evil spirit, a severe earthquake causes the creation of mountains, and as mountains rise from the land of “Khunirath”, an important mountain called “Alborz”, which connects to the heavens comes into existence. This mountain symbolizes the ideal paradise, as its peak is the place where the deeds of people are judged on the Day of Resurrection. In the beliefs of ancient Iranians, water is considered the second material creation by the Creator. Water is so significant in Iran as a purifying and life-giving element that polluting it and introducing impurity to it is regarded as an unforgivable sin. Purity and cleansing are attributes of the Creator’s wisdom. When the sun rises in “Khunirath” the land created by Ahura Mazda is purified, the spring water is purified, and the sea water is purified.

After the fall of the Ilkhanate dynasty, three historical periods emerged in Shiraz: the “Al Inju,” “Al Muzaffar,” and “Al Timurid” dynasties, which transformed Shiraz into the capital of Iranian literature and culture. Despite the limited number of books from this era, several transformations occurred in the paintings of the “Muzaffar” period, where landscapes and high horizons replaced the crude spatial representations of the “Al Inju” period. The paintings of the “Muzaffar” school are filled with the manifestations of nature, showcasing lush meadows, rose gardens, and orchards where birds nest. The most notable paintings from this school include wavy lines and abstract decorative forms derived from nature. One of the prominent characteristics of the Shiraz painting school during the “Muzaffar” period

is its landscape representation. Trees are depicted in several rows, along with mountains and rivers flowing from the heart of the rocks, creating vistas filled with nature's beauty, gardens, and abundant vegetation. In some works, the dominance of nature over human figures is evident, as the eye first perceives the mountains, shrubs, and green plants, then gradually recognizes the poses of human figures and characters. The flourishing of the court workshops in Shiraz during this period remained strong. The presence of painters and scribes from the Tabriz school significantly contributed to the prosperity of painting in this era. The manuscripts produced in the court of "Iskandar Sultan" feature a fusion of characteristics from the "Muzaffar" and "Al Inju" dynasties, along with hints of the "Jalayir" influence. One of the factors reviving religious perspectives during the Timurid period, pursued by Timur's descendants in Shiraz, was the establishment of cultural and religious credibility in the city. The Timurid princes achieved political legitimacy by supporting artistic activities. They respected the religious beliefs of the Iranians, creating the grounds for the compilation of the anthology of poems. This anthology is preserved in the Museum of Turkish and Islamic Art in Istanbul with the manuscript number 1950. Twelve illustrations adorn its leaves. In the illustrations are cypress trees, pine trees with red fruit resembling flowers, white blossom trees with red stems, palm trees with green leaves and golden clusters of dates, and other trees with delicate leaves. Various birds sit in an orderly fashion on the branches, some singing. A winding river originates from the mountains and flows into a pond after passing through the trees. The horizon of the illustrations showcases a pleasant background, representing a bright and radiant space. The natural landscapes, in the eyes of the painter, are intertwined with their imagination and dreams, depicting a beautiful representation of nature that takes the viewer to an ideal world and manifests a space that transports them to a supernatural place—one where fresh waters flow, and melodious birds sing on the lush branches of trees, where sweet fruits and various delightful drinks await the faithful. All these elements are found excellently in the promised paradise that the painter has illustrated.

Keywords: Mythology, Persian Painting, School of Shiraz, Khunirath



This journal is following of Committee on Publication Ethics (COPE) and complies with the highest ethical standards in accordance with ethical laws



COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)